

# شعاع شمس

غزلیات شمس تبریزی به روایت دکتر دینانی

جلد اول

کریم فیضی



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۸

## فهرست مطالب

۹	مقدمه نویسنده
۳۱	مقدمه دکتر دینانی
۷۷	مواجهه با «مواجهه»
۸۵	مواجهه با مولانا
۱۰۹	مواجهه با شمس تبریزی
۱۲۷	۱. کلید وحدت وجود
۱۴۰	۲. «ای» و «وای»
۱۴۲	۳. صلح کل
۱۵۲	۴. طوفان روح
۱۶۴	۵. طوفانی دیگر در روح
۱۷۵	۶. گویی مرا چون می روی؟
۱۸۶	۷. شوریدن بر هستی
۱۹۴	۸. اتحاد عاشق و معشوق
۲۰۲	۹. اگر تن نبود
۲۰۹	۱۰. سکوت و مقام آن
۲۱۹	۱۱. برهان صدیقین
۲۲۹	۱۲. داده‌های معشوق
۲۳۴	۱۳. سایه نور
۲۴۰	۱۴. در ستایش معشوق
۲۴۴	۱۵. حور و نور
۲۵۲	۱۶. آنسوی نام و ننگ
۲۵۸	۱۷. در راه طلب

- ۲۶۳ ..... ۱۸. سحر سامری یا اعجاز موسوی؟
- ۲۶۹ ..... ۱۹. آتش در فلک.
- ۲۷۴ ..... ۲۰. وحدت وجود، وحدت شهود.
- ۲۸۳ ..... ۲۱. رنج یا گنج؟
- ۲۸۷ ..... ۲۲. تشبیه یا تنزیه؟
- ۲۹۶ ..... ۲۳. نزاع عقل و عشق.
- ۳۰۵ ..... ۲۴. عشق به شرط معشوق.
- ۳۱۰ ..... ۲۵. بی‌پایانی
- ۳۱۸ ..... ۲۶. غزلی دشوار.
- ۳۲۰ ..... ۲۷. عقل و غفلت.
- ۳۲۵ ..... ۲۸. می و نگاه.
- ۳۳۱ ..... ۲۹. عناصر چهارگانه.
- ۳۴۳ ..... ۳۰. باز عقل، باز عشق.
- ۳۴۷ ..... ۳۱. ناقوس و ناموس.
- ۳۵۵ ..... ۳۲. دوگانگی در یگانگی.
- ۳۶۶ ..... ۳۳. طلا و طلاکاری.
- ۳۷۲ ..... ۳۴. «من» و «تو».
- ۳۷۷ ..... ۳۵. روز و شب.
- ۳۸۴ ..... ۳۶. آغاز و پایان با شنیدن.
- ۳۹۶ ..... ۳۷. کشش و کوشش.
- ۴۰۴ ..... ۳۸. خودی و بی‌خودی.
- ۴۱۰ ..... ۳۹. من و عالم من.
- ۴۱۶ ..... ۴۰. یافته شدن.
- ۴۲۳ ..... ۴۱. خانه و خواجه.
- ۴۲۹ ..... ۴۲. جلال و صبح.
- ۴۳۳ ..... ۴۳. می و ساقی چه باشد؟
- ۴۳۷ ..... ۴۴. آن سوی محدودیت.
- ۴۴۲ ..... ۴۵. در نامحدودیت انسان.
- ۴۴۶ ..... ۴۶. غیرت بر دهان.
- ۴۴۹ ..... ۴۷. خیال و معشوق.
- ۴۵۴ ..... ۴۸. زبان دل.
- ۴۵۸ ..... ۴۹. دیگربینی.
- ۴۶۶ ..... ۵۰. هستی و مستی.
- ۴۷۳ ..... فهرست‌ها

## مواجهه با «مواجهه»

\* چیزی که شکی در آن نمی‌توان داشت، این است که مواجهه فیلسوف با مسائل منحصر بفرد است. بدون آنکه به بحثی خاص نظر داشته باشیم و حاصل بحث را در نظر بگیریم و بدون اینکه به رهاوردها و نتیجه‌های بحث و خود مواجهه کاری داشته باشیم، می‌توانیم نوع مواجهه یک فیلسوف را با مسائل و حقایق گوناگون، آموزنده و درس‌آموز بدانیم. یادگرفتن و به عبارت دیگری بردن به راز و رمز بعضی از مواجهه‌های فیلسوفانه، طبعاً از بسیاری از بحث‌ها و درس‌ها مهم‌تر و ارزشمندتر است. گاهی ما در زندگی خودمان با قضیه‌ای هزار ساله روبرو می‌شویم که درباره آن مطالبی گفته شده و کتاب‌هایی به قلم آمده است و چه بسا متخصصان و موضوع‌شناسانی هم، در این سو و آن سوی ماجراهای آن باشد، اما در این میان یک مواجهه متفاوت می‌تواند همه چیز را به هم بریزد.

به‌طور کلی، فیلسوف همواره اهل مواجهه و رو در رویی جدید است. به باور من دکتر ابراهیمی دینانی از جمله کسانی است که با اطمینان می‌توان او را کسی دانست که دارای مواجهه‌های جدید و شگفت‌آور است. در کتاب‌ها و بحث‌های متفاوتی که تا امروز در زمینه‌های مختلف با شما صورت گرفته است، مهم‌تر از هر چیزی، نوع روبرو شدن شما با اصل مسائل است. من شخصاً این مسئله را بارها و بارها در بحث‌های مشترک آزموده و سنجیده‌ام. بعد از کتاب «سرشت و سرنوشت» که با عنایت اهل فکر مواجه شد، من

(Hermeneutic) است. مواجهه، در اصل؛ یعنی وجه به وجه شدن. صیغه مفاعله از کلمه «وجه» است. مواجهه، از وجه می‌آید. بنابراین باید آن را وجه به وجه و به قول انگلیسی‌ها: فیس تو فیس (Face to Face) یعنی چهره به چهره معنی کرد. وقتی چهره‌ای با چهره‌ای روبرو می‌شود، چیزهای زیادی را می‌بیند و به دست می‌آورد، تا به آن حد که اگر آن چهره را نمی‌دید، آن مسائل برایش مطرح نمی‌شد. در چهره به چهره شدن - که همان مواجهه است - ما، هم خودمان را می‌بینیم، هم چهره مقابل را در خودمان می‌یابیم. اینجاست که حقایق جدید رخ می‌نماید.

اجازه بدهید، موضوع را با ذکر یک مثال عینی و مشخص بیان کنم و آن سؤالی است که درباره تفکر جاودانگی مطرح است و به اینجا برمی‌گردد که: آیا از بی‌قراری جهان که زمان و جهان از آن لبریز است، تنفر به آدمی دست می‌دهد، یا حسی خوب و مطلوب؟ عده‌ای می‌گویند: بی‌قراری و گذرا بودن جهان برای آنها مطلوب است. اگر چنین است، چرا انسان جاودانگی را دوست می‌دارد؟ پاسخی که به نظر می‌رسد، این است که: انسان دوست دارد همین گذرا بودن و بی‌قرار جهان، برای او جاودانه باشد، ولی این برای انسان حاصل است و تحصیل حاصل محال است. با این حساب، انسان جاودانگی را دارد. پس چه چیزی را می‌طلبد؟ از طرف دیگر، موضوع بقای همیشگی مطرح است. واقعاً اگر انسان بر بی‌مرگی‌اش قطع و یقین داشته باشد و مثل روز برایش روشن باشد که هرگز نخواهد مرد و تا ابد در این عالم خواهد بود، آیا آن را می‌پسندد یا بد می‌دارد؟

\* شاید عذابی بالاتر از این نباشد.

فکر نمی‌کنم عذابی بالاتر از بی‌مرگی باشد. بی‌مرگی، عذاب الیم است. خود همین که من بدانم که هرگز نمی‌میرم، بی‌تردید یک عذاب است. آیا تصور بی‌مرگی دوست داشتنی است؟<sup>۱</sup>

\* تنها می‌توانم بگویم که حالت ناآشنایی است.

تصور کنید که: یقین داشته باشید که در عالم، مُردن وجود ندارد. آیا این برای شما خوشایند است؟ بسیار بعید است که خوشایند باشد. شاعری مثل فرخی، شعری در

موضوع مواجهه را در خیام و تفسیر رباعیات خیام هم آزمودم که کتاب «هستی و مستی» حاصل آن است و اتفاقاً مورد التفات طیف کثیری از دوستان جریان فکر و اندیشه و ادبیات هم قرار گرفت. در کار خیام، بنای من بر این نبود که رباعیات تفسیر شود، ولی بعد از پایان کار، تازه معلوم شد که حقیقت همان است که در اول کار بیان شده است. بنابراین، بنای کار وسیع شد و خوشبختانه اتفاقی روی داد که بی‌تردید مغتنم است.

ما اکنون در آستانه مواجهه‌ای دیگر هستیم که آغاز آن همین سخن است، اما پیش از اینکه موضوع مواجهه معلوم شود، می‌خواهم بدانم آنچه که بیان شد، تا چه حد برای شما مورد قبول است.

پیش از هر چیزی باید بگویم که مواجهه شما با شخص من هم مواجهه عجیبی است. من با اشخاص زیادی محشور و مأنوسم و با افراد زیادی هم سخن می‌شوم، ولی پیش نیامده است که مواجهه‌ای، مورد توجه قرار بگیرد و اتفاق خاصی در بحث‌ها صورت بگیرد. شما به روی نکته‌های ژرفی انگشت می‌گذارید که فکر برانگیز است. در واقع، توجه از ناحیه شما بوده است، در مواجهه‌ای که با من داشته‌اید.

اما اینکه من چگونه چنینم، توضیح آن برای من سخت و دشوار است. در هر حال، من همینم که هستم، اما مواجهه شما با من - که خودش نوعی مواجهه است - و استنباطی که شما از مواجهه با من به عمل می‌آورید، برای شخص من جالب است. این دیگر مواجهه شماست و ما طبعاً باید درباره آن صحبت کنیم.

\* فارغ از آنچه در حق بنده بیان می‌کنید، چیزی که بسیار مهم است، این است که به نظر می‌رسد، نوع مواجهه همواره می‌تواند مسائل را دگرگون کند و فضای جدیدی در سیر یک بحث و حتی تاریخچه فکری آن پدید بیاورد. این موضوع را تا چه حد قبول دارید؟

کاملاً قبول دارم. مواجهه یک موضوع مهم است. اجازه بدهید بگویم که همه چیز در مواجهه به دست می‌آید. اگر چیزی با چیزی مواجه نشود، هیچ چیزی حاصل نمی‌شود.

\* مواجهه را چگونه باید معنی کرد و بهتر بگویم: شما مواجهه را چگونه معنا می‌کنید؟

مواجهه نوعی تفسیر و اینترپرتیشن (Interpretation) نوعی هرمنوتیک

۱. در بحث «روانکاوی فیلسوف» در کتاب «اندیشه و اندوه» (= پیشانی من / روایت فیلسوف) در این خصوص، مفصل‌تر از این سخن گفته شده است.